

تحلیلی از جریان اقدامات علمی انجام شده در مورد اقتصاد اسلامی همراه با گزارشی از اولین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی

دکتر یداله دادگر^(۱)

۱- مقدمه کلی

اصولاً استخراج یک مکتب اقتصادی و طراحی نظام اقتصادی مربوط به آن به طور کلی، و به ظهور و بروز رساندنش، در درجه اول مستلزم درکی عمیق و همه جانبه از مبانی، اهداف و اصول آن مکتب و همچنین شناختی کافی از عناصر پیرامونی و در عین حال مرتبط با آن است. تحقق این امر در درجه دوم، به سرمایه‌گذاری وسیع انسانی و مادی و همراه ساختن آن با تکامل اندیشه‌های متفکران و محققان و صاحب‌نظران حوزه مربوط نیاز دارد. برای مثال سیستم اقتصاد متعارف که در حال حاضر هم از جنبه نظری و علمی و هم از لحاظ سیاست‌گذاری و اجرایی، سیطره قابل توجهی بر اقتصاد بسیاری از جوامع جهانی دارا است، محصول میلیون‌ها ساعت تلاش طاقت‌فرسا در تحقیق و پژوهش و استخراج پیام‌های حاصل از آزمون و تدریس نتایج تحقیقات مربوط و همچنین نقد و بازنگری جدی و همه جانبه است.

متجاوز از ۲/۵ قرن است که علم اقتصاد مدون گردیده و دست کم ۴/۵ قرن از طراحی و تبیین نظامها و مکاتب اقتصادی می‌گذرد. البته اندیشه علمی اقتصاد متعارف و نظام و مکتب مربوط به آن منحصرأ مرتبط با تفکرات ۲/۵ یا ۴/۵ قرن اخیر نیست، بلکه با افکار و آرمانهای قبل از آن و حتی با تفکرات قبل از میلاد، ارتباط ریشه‌ای دارد و تحت تأثیر آن است. در هر صورت، عناصر مربوط به مکاتب و نظام‌های اقتصادی یاد شده عمدتاً با توجه به عقلانیت بشری و قواعد عقلایی مدون گردیده است. میلیون‌ها

کتاب و مقاله علمی، و هزاران کنفرانس و صدها جلسه نقد و تحلیل در این باره برگزار گردیده است. به گفته یکی از اندیشمندان، در کشورهای پیشرفته تحقیق و پژوهش درباره هر موضوع آن قدر با سرعت و وسعت صورت می‌گیرد که اگر شخصی بخواهد فقط عناوین مربوط را به طور مرتب جمع‌آوری کند، قادر به چنین کاری نخواهد بود. با وجود این همه تلاش‌ها و تحولات و نقد و بررسیها و پیشرفتهای مداوم، هنوز در ابعاد و عناصری از اقتصاد متعارف، اختلاف نظر وجود دارد و در بسیاری از موارد در حوزه یاد شده، تئوری‌ها مورد تجدید نظر و اصلاح و تعدیل قرار می‌گیرند یا حتی جای خود را به تئوریهای رقیب می‌دهند و این تحولات مدام پیش می‌رود. البته وجود اندیشمندان و صاحب‌نظران برجسته و حضور متخصصان در هر یک از اجزا و ابعاد رشته مورد نظر، همراه با مؤسسات تحقیقاتی فراوان و کارآمد و پشتوانه‌های مادی کافی، حمایت‌های وسیع از طریق مجاری رسمی و قانونی، حاکمیت فرهنگ نقد و روحیه انتقادپذیری در جامعه علمی و حتی در مجامع عمومی و از همه مهمتر، سازگاری و هماهنگی حوزه‌های تحقیق اقتصادی با دیگر ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای پیشرفته باعث گردیده که مشکلات مورد نظر با سرعت هر چه تمامتر، مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد و حل و فصل گردد. در نتیجه، این تحلیل و تغییر و تحول خود به فرایندی پویا در راستای تکامل بیشتر مسأله مورد بحث تبدیل می‌شود. لذا پیشرفت در حوزه اقتصاد متعارف، مرهون فراهم آمدن امکانات کافی و دیگر لوازم است.

۲- تحلیل زمینه‌های بالفعل و بالقوه در پژوهش اقتصاد اسلامی

مطالعات جدید در اقتصاد اسلامی اولاً هنوز در ابتدای راه است، زیرا تقریباً از دهه ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۳۰ شمسی) آغاز گردیده، یعنی کمتر از نیم قرن قدمت دارد و به لحاظ کمی و کیفی در مراحل مقدماتی و ابتدایی است. ثانیاً مؤسسات تحقیقاتی به طور کلی و در زمینه اقتصاد اسلامی به نحو خاص در کشورهای اسلامی، به ویژه در ایران از نظر تعداد، بسیار قلیل و از لحاظ توانمندی نسبی، ناکارآمد هستند. همچنین تعداد

محققان با انگیزه و دارای تخصص کافی در مقایسه با محققان و پژوهشگران شاغل و مشغول در حوزه اقتصاد متعارف (در کشورهای پیشرفته) به مراتب کمتر است.

ثالثاً چون در قالب بررسی های اقتصاد اسلامی، قرار است مطالعات اقتصادی در چارچوب فرهنگ دینی ترسیم گردد، پیچیدگی موضوع و تأثیر اختلاف نظرهای موجود در حوزه دین چند برابر می گردد.

رابعاً در کشورهای اسلامی به طور عمومی و در ایران به طور خاص، مراکز رسمی و دولتی از سویی در پی برنامه ریزی هدفمند به منظور پیشبرد مطالعات اقتصاد اسلامی نیستند و از سوی دیگر هیچ نوع پشتیبانی جدی از مراکز پژوهشی موجود به عمل نمی آورند.

خامساً به علت ساختار ویژه مطالعات در حوزه اقتصاد اسلام، ماهیت موضوع به گونه ای است که انجام یافتن پژوهش های سازگار، در درجه اول - و در صورت امکان - مستلزم وجود محققانی است که هم در حوزه دین و هم در حوزه اقتصاد صاحب نظر باشند و در درجه دوم - و در صورت فقدان محققان ذوجنبه - محققان تک تخصص باید ضرورت همراهی و همفکری با پژوهشگران مکمل خود را در عرصه تئوری درک کنند و در صحنه عمل، این همراهی و همگرایی را پذیرا باشند. این موضوع در حال حاضر به ندرت اتفاق می افتد و همین امر به کارایی سیستم مطالعاتی لطمه جدی وارد می آورد.

گذشته از اینها فقدان یا غیر کافی بودن فرهنگ نقد در جامعه به طور کلی و در میان مطالعات حوزه های دینی و اقتصاد اسلامی به طور خاص باعث گردیده که مطالعات و تحقیقات انجام شده موضوع بررسی علمی و بازنگری جدی قرار نگیرند. در نتیجه اطمینان قابل قبولی وجود ندارد که پژوهش های یاد شده از استحکام علمی مورد نیاز و از ویژگی های مطالعات استاندارد، برخوردار باشند. همچنین از یک طرف فقدان یک برنامه جامع و تعریف شده از چارچوب نظری و پیامدها و سیاست های اجرایی در حوزه اقتصاد اسلامی و از سوی دیگر، وجود قرائتها و تفاسیر گوناگون، و سیطره علمی و تئوریک اقتصاد متعارف بر جوامع غیر اسلامی و اسلامی و نیز جذابیت های نظری و عملی آن و حتی در مواردی منفعل شدن محققان جوامع اسلامی باعث شده که

پژوهشهای محققان اقتصادی در این کشورها در موارد بسیار دارای نوعی قالب التقاطی و شبیه‌سازی صوری بوده، فاقد استقلال دینی و استحکام علمی باشد.

فقدان اهداف، مکانیسمها و روشهای همگام با موضوع مورد نظر نیز باعث نوعی سردرگمی در تحقیق و پژوهش شده است. لذا همراهی کافی بین حوزه اقتصاد اسلامی و سایر ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود ندارد. در نتیجه تحقیقات غالباً جنبه‌ی شکلی و تا حدودی تشریفاتی و گزارش‌رسانی به خود گرفته است.

وجود محققان درجه دوم و فقدان توجیه و انگیزه کافی برای حضور محققان برجسته در هر دو حوزه دین و اقتصاد باعث شده که مطالعات صورت گرفته اولاً فاقد انسجام و ارتباط منطقی کافی باشد و ثانیاً در بسیاری از موارد موجب هدر رفتن هزینه و فرصتهای قابل توجه و کمیاب گردد، زیرا در هر صورت مراکز تحقیقاتی راه‌اندازی و محققانی به استخدام گرفته می‌شوند اما کم‌ و کیفاً به ندرت نتایجی جدی و آثاری راهگشا به بار می‌نشیند. فقدان نظارت و مدیریت کارآمد و بی‌توجهی و حتی خوش‌بینی مراجع رسمی و دولتی نسبت به گزارشهای مربوط باعث شده که موضوع حل شده تصور گردد و هیچ مسأله جدی و سؤال تحقیقی بخصوصی در ذهنها تبلور پیدا نکند. تعدد مراکز تحقیقاتی ناکارآمد، بدون هماهنگی کافی بین آنها و انجام یافتن کارهای موازی نیز مزید بر علت است.

اینها و موارد و عوامل مشابه باعث گردیده که درباره اقتصاد اسلامی ابهامات، سؤالات و شبهات خاصی بروز کند و در نهایت روحیه یأس در میان متخصصان و محققان برجسته به وجود آید که در خوش‌بینانه‌ترین حالت باعث می‌شود انگیزه پرسش‌گری در اقتصاد اسلام و علاقه به تحقیق و پژوهش جدی در این حوزه تقلیل یابد و در مواردی در ذهن آنان این گونه سؤالا ایجاد گردد که آیا اصولاً معرفت یا موضوعی علمی به نام اقتصاد اسلامی وجود دارد؟ البته به عقیده ما اگر مجامع و مراجع رسمی و غیر رسمی صاحب انگیزه برای پاسخگویی به این نوع سؤالا فراهم باشد و از این سؤالا استقبال شود و برای جواب دادن به آنها تلاشهایی صورت گیرد این امر به لحاظ تحقیقی، ارزشمند است، اما متأسفانه در موارد زیادی اینگونه سؤالات و شبهات در

کشورهای اسلامی و بخصوص در کشور ما به نوعی شک کور مبدل می‌گردد.

زمینه‌های بالقوه

اولاً به شهادت تاریخ در صدر اسلام و در مقطع کوتاه حکومت پیامبر(ص) و حتی در زمان برخی از جانشینان وی، نظام اقتصادی منسجمی حاکم بوده و مشکلات مردم به خوبی حل و فصل می‌شده است. به علاوه نظام اقتصادی در عین حال با دین هم در حد کفایت سازگار بوده است. این موضوع و موفقیت و شکوفایی اقتصاد صدر اسلام حتی مورد تأیید محققان و مورخان بیطرف و مستشرقان و اسلام شناسان غیر مسلمان قرار گرفته است.

ثانیاً رهنمودهای کلی و اصول عمومی برای هدایت مطالعات اقتصادی و حتی در مواردی دستورالعملهای خرد و جزئی در متون دینی، از جمله در قرآن و سنت وجود دارد. در فقه مدون نیز در برخی امور ریزترین ابعاد معاملات مورد بررسی قرار گرفته که اگر نتوان آنها را قواعد اقتصادی نوع خود تلقی کرد حداقل می‌توان مرجع و مأخذی برای استخراج آن قواعد قلمداد نمود. موارد روشنی از توجه به تولید و جلوگیری از راکد نگهداشتن سرمایه، مبارزه با مفاسد اقتصادی همچون احتکار و رشوه و ربا و تنظیم امور مالیاتی و ضوابط حاکم بر چگونگی هزینه‌های دولتی و خصوصی و امثال آن در این متون مضبوط است که اشاره به آنها از حوصله و وظیفه این گزارش خارج است.

از سوی دیگر در نوشته‌های دیگر علمای اسلام از جمله فلاسفه و صاحب نظران اخلاق نیز شمه‌ای از ابعاد و عناصر اقتصادی ذکر شده که برای پیشبرد پژوهش در حوزه یاد شده، در حد قابل توجهی کار سازند و حداقل می‌توانند مراجعی ابتدایی برای تحقیقات علمی به شکلی جزئی‌تر و ریزتر باشند. البته شرایط زمانی تدوین این مباحث، جهان‌بینی و متافیزیک حاکم بر اندیشه‌ی علما، فقها، فلاسفه و اخلاقیون و توجه به جایگاه عقل در کنار شرع یا بی‌توجهی برخی از آنها به عقل و سیره عقلا و واقعیات زندگی مردم و وجود یا عدم حکومت اسلامی در آن زمانها همه و همه در ترسیم و کارآمدسازی یا ناکارآمدی نقطه نظرهای مربوط مؤثر بوده که استخراج، تنقیح، تطبیق و انتزاع نظریات

کارساز در عرصه عمل، وظیفه محققان و اندیشمندان امروزی است. ملاحظه بخشهایی از معاملات و دیگر ابواب اقتصادی در متون فقهی و حدیثی اهل تشیع و تسنن گویای بخشی از این واقعیات است.

علاوه بر کتاب و سنت و نوشته‌های عمومی فقهی، برخی از علما حتی مبادرت به طراحی ابواب مستقلی از امور مالی کرده‌اند که نوشته‌های آنان مآخذ ارزشمندی برای محقق در اقتصاد اسلامی محسوب می‌شوند. کتاب *اصلاح المال* ابن دنیا، *خراج قاضی ابی یوسف، الاموال* قاسم بن سلام، *احکام سلطانیه قاضی ابی یعلی، احکام الخراج* امام حافظ ابی الفرج، *خراجیه بحر العلوم، بحریات ابن فحد، حاشیه الخراجیه مقدس اردبیلی، صناعة قدامة بن جعفر، غنمیه ابن زهره، خراجیات محقق کرکی، و وقف عثمان بن سعد* از این دست است.

در میان نوشته‌های فلاسفه و علمای اخلاق نیز نظرهای اقتصادی کارساز توسط محققان تیزبین قابل استخراج است. در این خصوص می‌توان به بخشهایی از رسائل *اخوان الصفا، مدینه فاضله فارابی، آثار ابن سینا، احیاء العلوم غزالی، محجة البیضا* از فیض کاشانی، نوشته‌های ابن طفیل و کندی و ابن مسکویه و *اخلاق ناصری* خواجه نصیر یا مقدمه ابن خلدون اشاره کرد.

حتی در قالب متون جدید اقتصادی نیز با وجود فقدان لوازم و انگیزه کافی و نبود تصویر روشن و سرمشق اولیه، کارهایی در اقتصاد اسلام صورت گرفته که نشان از امکان وجود زمینه‌های پیشرفت در این حوزه دارد. کتاب *تحریم بهره* از ندوی عبدالاسلام منتشر شده در سال ۱۹۲۴، *توزیع ثروت* از نظیر احمد در ۱۹۲۵، *اسلام و تجارت* از علی نقی در ۱۹۳۳، *راه حل مشکلات اقتصادی در اسلام* از محمد حمیدالله در ۱۹۳۶، *نظام اقتصادی اسلامی، حفظ الرحمان* در ۱۹۴۲، *اوضاع الاقتصادیه* از محمد غزالی در ۱۹۴۷، *فلسفه اقتصاد احمد الرحمان* در ۱۹۵۰، *ساختار اقتصاد اسلامی* از زیدان ابومکارم در ۱۹۵۱، *اقتصاد اسلامی* میرشمس در ۱۹۵۳، اثر بسیار برجسته *اقتصادنا* از آیه‌الله صد در همان دهه، *مقایسه اقتصاد اسلام و کمونیسم* از سید رمضان در ۱۹۵۹، *سیاست مالی اسلام* از کاتب عبدالکریم در سال ۱۹۶۱، *اندیشه اقتصاد اسلامی*

اسپنگلر در ۱۹۶۴، توزیع و تولید از نظر ابن خلدون منتشر شده توسط گروه محققان دانشگاه مینه‌سوتا در ۱۹۶۸، تأثیر زکات در اقتصاد از رزبان فریشتا در سال ۱۹۶۹ از این‌گونه متون به شمار می‌روند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۷۰، بویژه دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جدیت در تدوین نوشته‌های اقتصاد اسلام بیشتر شده و قابل پیش‌بینی است که در دهه اول قرن ۲۱ پیشرفت قابل توجهی در این باره حاصل گردد.

۳- سمینارهای اقتصاد اسلامی و دیگر فعالیتهای مشابه

در خصوص برگزاری سمینارها و محافل علمی و گنجاندن دروس اقتصادی در برنامه‌های رسمی کشورهای اسلامی نیز تلاشی‌هایی به عمل آمده است. کنفرانس اقتصاد اسلامی پاریس در سال ۱۹۵۱ و گردهمایی اقتصادی دمشق در سال ۱۹۵۲، از اولین نشست‌ها در این مورد محسوب می‌شوند. در سال ۱۹۶۱، اقتصاد اسلامی در دانشگاه الازهر مصر به عنوان یک درس مستقل در برنامه‌های آموزشی وارد شد. در سال ۱۹۶۴، در دانشگاه ملک عبدالعزیز رشته اقتصاد اسلامی به طور مستقل رسمیت پیدا کرد. در سال ۱۹۷۶ کنفرانس بین‌المللی فراگیری در مکه برگزار شد که اولین کتاب نامه اقتصاد اسلامی در آن ارائه گردید.

کنفرانس ۱۹۸۰ در دانشگاه ابن سعود در ریاض و کنفرانس ۱۹۸۱ در کویت، بحث‌های نسبتاً جدیدتری را مطرح ساخت. رسمیت یافتن درس اقتصاد اسلامی در مقطع لیسانس و نیز فوق‌لیسانس رشته اقتصاد در ایران در سال ۱۹۸۴ نیز حداقل از لحاظ کمی و شکلی تحولی در تقویت اقتصاد اسلامی در قالب دروس دانشگاهی ایران محسوب می‌گردد. در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ در ایران، ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ در مالزی و اندونزی، و ۱۹۹۴ در خرطوم نیز کنفرانسهای دیگری درباره اقتصاد اسلامی دایر گردید. بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ نیز حداقل سه کنفرانس دیگر در کشورهای اسلامی و اروپایی دایر شد و هم‌اکنون برپایی یک کنفرانس در خصوص اقتصاد اسلامی برای سال ۲۰۰۱ میلادی در زلاندنو مدنظر است.

رسمیت یافتن گرایش اقتصاد اسلامی در دوره دکتری در دانشگاه تربیت مدرس در

سال ۱۹۸۸ و برگزاری سمینار حاضر این دانشگاه با همکاری دانشگاه مفید و اعلام آمادگی چند دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی دیگر برای برگزاری نشستهایی در آینده را نیز می‌توان طلیعه مبارکی در گسترش مطالعات اقتصاد اسلامی قلمداد کرد.

۴- گزارشی از همایش فعلی

همایش حاضر اولین نشست دو سالانه اقتصاد اسلامی است که پس از یک وقفه نسبتاً طولانی در کشور ما محقق می‌گردد. زمینه‌های اولیه راه‌اندازی این همایش از اواخر سال ۷۷ در دانشگاه تربیت مدرس پدیدار شد. پس از تشکیل کمیته‌های علمی و اجرایی در تهران و قم در خرداد و تیر ۱۳۷۸ فراخوان مقاله از طریق روزنامه‌های کثیرالانتشار صورت گرفت. در مراحل اولیه متجاوز از ۷۰ خلاصه مقاله از سوی محققان به دبیرخانه همایش رسید که پس از بررسی‌های اولیه بیش از ۵۰ عنوان با اهداف همایش هماهنگ تشخیص داده شد. به دنبال آن، مقالات ارسالی در اختیار هیأت داوران که از اساتید دانشگاه و حوزه بودند قرار گرفت که از میان آنها ۱۸ مقاله برای ارائه در همایش و ۳۲ مقاله برای چاپ مورد تصویب قرار گرفت.

با توجه به مشکلات تحقیق در اقتصاد اسلامی - بنا به دلایل آشنا و شناخته شده - و عدم سرمایه‌گذاری کافی دست‌اندرکاران دو دانشگاه در این خصوص، به عقیده ما استقبال محققان از این همایش قابل توجه بوده است و این امر نشان می‌دهد که در صورت تلاش جدی در باره، رابطه امکان‌گسترش تحقیقات به طور مناسب وجود دارد. ضمناً با آنکه در اولین همایش مقرر شد، موضوعات کلی مورد پذیرش واقع شود و بر عنوان خاصی تأکید نگردید، عمده مقالات در سه حوزه پول و بانک، دولت و توسعه و عدالت قابل دسته‌بندی‌اند که بر همین اساس در حاشیه همایش سه کارگاه تخصصی در سه موضوع یادشده توسط صاحب‌نظران ارائه گردید.

۵- نتایج و پیامدهای قابل ملاحظه

در پایان به منظور ارزیابی کلی از کارکرد این همایش و برای تشویق و گسترش کارایی

پژوهش‌های اقتصاد اسلامی، فهرست‌وار چند مطلب بنا به اهمیتشان ذکر می‌گردد، با ذکر این نکته که در این خصوص (تأکید اصلی بر مطالعات کشور ایران است):

۱- وضع تحقیق و پژوهش در اقتصاد اسلامی در حال حاضر در تمامی جوامع اسلامی، بویژه در ایران، دچار وخامت شدید است و لذا نگرانی بسیاری از اقتصاددانان و حتی ایرادات مخالفان اقتصاد اسلامی با توجه به وضع موجود قابل تأمل است. این امر تلاش جدی کلیه متخصصان دلسوز این حوزه مطالعاتی و علاقه‌مندان به اقتصاد اسلامی را طلب می‌کند.

۲- با وجود دشواریهای فعلی به عقیده ما در صورت انجام یافتن مطالعات همه جانبه و فراهم ساختن زمینه شکوفایی پژوهشهای استاندارد، امکان استخراج تئوری مستقل اقتصاد اسلامی وجود دارد. همچنین کارکرد اقتصاد صدر اسلام نشان داده است که حداقل برخی از تفاسیر تئوریک اقتصاد اسلامی از آزمون عملی سربلند بیرون آمده‌اند.

۳- یکی از عوامل نارسایی و ناکارآمدی تحقیق و پژوهش در اقتصاد اسلامی تنوع و تشتت مراکز به اصطلاح تحقیقاتی در اقتصاد اسلامی با جهتگیری‌های متفاوت سیاسی و تشکیلاتی است. بد نیست برای اطلاع اشاره شود که در حال حاضر، در ایران حداقل ۷ مرکز رسمی و شناسنامه‌دار (دولتی و خصوصی)، حدود ۵ مرکز نیمه رسمی، و حداقل سه مرکز غیر رسمی در ظاهر به فعالیتهای پژوهشی در اقتصاد اسلامی مشغول‌اند. انجام دادن مطالعات تکراری، تصویب و اجرای پروژه‌های موازی و فقدان ارتباط معنادار از دشواریهای جدی این مراکز می‌باشد.

۴- در حال حاضر زمینه مطالعات اقتصاد اسلامی حتی در جوامع غیر اسلامی، به ویژه در کشورهای اروپایی و امریکایی فراهم است. این امر وظیفه محققان مسلمان و مراکز تحقیقاتی اقتصاد اسلامی در جوامع مسلمان نشین را سنگین می‌کند. انتظار مجامع غیر اسلامی که به تحقیقات یاد شده روی آورده‌اند این است که رهنمودهای اولیه و راهکارهای کارسازی از محققان مسلمان و مؤسسات تحقیقاتی جوامع اسلامی دریافت دارند.

۵- برای ایجاد یک حرکت جدی در پژوهشهای اقتصاد اسلام، وضعیت مطالعاتی

موجود در کشور به هیچ وجه مطلوب نیست و از این رو نیاز به عزمی جدی و ملی و حمایت قانونی و رسمی از ناحیه دولتمردان و مراجع قانونی احساس می‌گردد. لذا اولاً از دولت و نمایندگان مجلس قانونگذاری تقاضا می‌شود در این خصوص با تصویب لوایح یا طرحهایی، حرکت تازه‌ای را آغاز کنند. ثانیاً و تا تحقق قدم فوق‌الذکر از نهاد ریاست جمهوری درخواست می‌کنیم پژوهشهای اقتصاد اسلامی را نیز جزء یکی از موضوعات حوزه مطالعات مرکز مطالعات استراتژیک قرار دهد.

۶- به عقیده ما مناسب است قبل از هر چیز، کمیته‌ای از برجسته‌ترین اقتصاددانان و مجتهدان آگاه به امور اقتصادی برای ارزیابی وضع موجود و طراحی یک سلسله راهکارها برای بهبود مطالعات مربوطه تشکیل شود. کمیته مذکور می‌تواند از سوی مجموعه مؤسسات پژوهشی حوزه اقتصاد اسلامی یا از سوی مراجع رسمی تعیین گردد.

۷- با توجه به اینکه ۲۰ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد، مناسب است از سوی مجامع متکفل امور پژوهشی کشور، بخصوص شورای عالی پژوهش کشور یا وزارت فرهنگ و آموزش عالی، اولاً موضوع اقتصاد اسلامی در قالب دیگر موضوعات تحقیقاتی گنجانده شود و ثانیاً نوعی نظارت و ارزیابی از کارهای انجام شده در این حوزه به عمل آید.

۸- تاکنون حداقل ۴ دانشگاه در کشورهای اسلامی غیر از ایران، اقتصاد اسلامی را به عنوان رشته مستقل مورد تصویب قرار داده‌اند. همچنین برخی دیگر از کشورها، در مقاطع مختلف تحصیلی گرایشها و یا مواد درسی اقتصاد اسلامی را در زمره دروس دانشگاهی گنجانده‌اند. مناسب است از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از دانشگاههای ایران نیز درخواست شود در این باره اقداماتی به عمل آورند. مثلاً آنها می‌توانند رشته جدیدی را در چارچوب اقتصاد اسلامی تعریف کنند یا همانند دانشگاه تربیت مدرس، حداقل گرایشهایی را در این مورد به وجود بیاورند.

۹- دشواریهای جدی اقتصاد جهانی و آزمون نظریه‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیسم حداقل این پیام را می‌رساند که جای مطالعه در حوزه‌های جدید اقتصادی و

ارائه راه‌حلهای جدید نسبتاً خالی است. ما نیز به عنوان یک کشور اسلامی، حداقل وظیفه داریم که بکوشیم تا چارچوب اقتصادی مورد نظر اسلام را به عنوان یک آلترناتیو مطرح کنیم.

۱۰- تجربه ۲۰ ساله اعمال الگوهای اقتصادی دیگر نظامها در کشور ما نیز مشکلاتی به بار آورده است. حال عقلایی است که یک بار نیز حداقل به عنوان یک آزمون تجربی نوعی الگوی اقتصادی ناشی از اسلام را بررسی کنیم. به عقیده ما تاکنون چنین الگویی با ابعاد سازگار در کشور به اجرا در نیامده است. البته ادعا می‌شود که نظام بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی آزمون شده، اما باید توجه داشت که اولاً این نظام به طور شفاف و همه‌جانبه در هیچ کشوری پیاده نشده و ثانیاً در برخی موارد فقط به بخشهایی از آن عمل شده که به خاطر ناسازگاری کافی، بر ابهام و اشکالات نظام بانکی افزوده است.

۱۱- اصولاً پیاده کردن اقتصاد اسلامی باید هماهنگ و در کلیه حوزه‌ها انجام شود. آزمون برخی از ابعاد و تأکید بر آنها، بدون تعریف و ایجاد ارتباط دادنشان با سایر حوزه‌ها یا ناکارآمد خواهد بود یا نتایج بسیار کمی به بار خواهد آورد. یک عامل عمده عدم موفقیت نظام بانکداری در کشورهای اسلامی همین امر می‌باشد.

۱۲- یک مشکل جدی در معرفی نامناسب اقتصاد اسلامی، کارکردهای ضعیف و بیمار اقتصاد کشورهای اسلامی است، زیرا تصور عمومی این است که اقتصاد کشورهای اسلامی در واقع، آزمون تجربی همان نظریات اقتصاد اسلامی است، در حالی که به عقیده ما بجز در صدر اسلام مهنوز تجربه عملی اقتصاد اسلامی را ملاحظه نکرده‌ایم. اگر دشواریهای اقتصادی موجود به حساب اقتصاد اسلام گذاشته شود، نتیجه طبیعی آن این است که ضعف اصلی ناکارآمدی اقتصاد کشورهای اسلامی ناشی از ناموفق بودن اقتصاد اسلامی است. به عقیده ما باید در حال حاضر به طور جدی اقتصاد اسلامی را از اقتصاد مسلمانی تفکیک کنیم تا اگر خدمتی به اسلام نکرده‌ایم حداقل ضربه‌ای به آن وارد سازیم، زیرا آنچه مسلمانها فکر می‌کنند یا عمل می‌کنند، لزوماً منطبق بر اسلام نیست.

۱۳- مناسب است به خاطر گسترش نسبی تحقیقات کمی در دیگر کشورهای اسلامی، به ویژه تلاش اقتصاددانان اهل سنت، اولاً گردهم‌آیهای مشترکی بین اقتصاددانان اهل تشیع و اهل تسنن برگزار گردد. ثانیاً ترتیبی داده شود که محققان اقتصادی کشورهای اسلامی بدون هزینه یا با پرداخت هزینه ناچیز بتوانند از مؤسسات پژوهشی یکدیگر بازدید کنند. ثالثاً مرکزی در هر کشور اسلامی برای جمع‌آوری اطلاعات اقتصاد اسلامی ایجاد شود تا محققان در هر زمان از آخرین دستاوردهای تحقیقاتی در حوزه مورد نظر استفاده کنند. رابعاً دست اندرکاران برگزاری سمینارهای اقتصاد اسلامی در داخل و خارج برای اتخاذ تصمیم در مورد موضوعات و امور مشابه با هم تبادل نظر کنند و به ویژه در داخل کشور، یک رویه عقلانی و سازمان یافته بر برگزاری سمینارها حاکم گردد.

۱۴- مقتضی است رسانه‌های رسمی که هزینه‌هایشان از بخش عمومی تأمین می‌گردد - در رأس آنها صدا و سیما و نشریات رسمی - به دور از هر نوع ملاحظه جانبدارانه به بیان و ترویج مطالعات اقتصادی اسلام دست بزنند و مطبوعات آزاد نیز به خاطر حفظ آرمانهای جامعه مدنی مورد نظر اسلام، بخشی از توان و صفحات خود را به این امر اختصاص دهند.

در هر صورت کار، جدید است و راه، پرخطر؛ و وظیفه سنگین بردوش آنان خواهد بود که بیش از دیگران منادی اجرای اسلام در همه ابعاد و به طور خاص در ابعاد اقتصادی آن هستند.